

Akhlaq-i zisti

i.e., Bioethics Journal

Special Issue on Law and Ethics Innovations, 2022

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Linking form and Structure with Content in Sovar Etaq by Relying on Ethica Approaches in the Holy Quran

Maryam Haji Ghazi Astarabadi¹, Morteza Khorrami^{2*}, Arastoo Mirani¹

1. Department of Islamic Studies, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran.

2. Department of Islamic Studies, Qaemshahr Branch, Islamic Azad University, Qaemshahr, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: One of the aspects of the miracle of the Holy Quran is the literary and expressive miracle of this divine book. Muslim commentators and writers have tried their best to reveal the secrets of Quranic rhetoric. But the result of their efforts has been insignificant compared to the unparalleled eloquence and depth of the Book of Revelation. Contemporary researchers have found objections to traditional rhetoric, which include the neglect of the context and non-participation of issues such as textual and non-textual situations and the presuppositions of the audience in the analysis of the text, as well as the ineffectiveness of the methods, the repetitive nature of the analysis and the stagnation of the theories of traditional rhetoric. For this reason, in order to show new manifestations of the miracles of the Quran, we will need new theories of literary criticism, which are more systematic, creative and effective than traditional rhetoric. On the other hand, the word ethics is not seen directly in the Qur'an, but many verses emphasize moral issues. This study was conducted with the aim of investigating the convergence of form and structure with content in Sovar Etaq, considering ethical approaches in the Qur'an.

Methods: This research is of a theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of collecting information is library-based and by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In this research, the principles of trustworthiness, honesty, neutrality and originality of the work have been respected.

Results: The mutual relationship between form and content is one of the basic principles in both modern Western stylistics and Islamic rhetoric. According to this principle, the form and content of the text are not two separate elements but two aspects of a single phenomenon, which is the "text". In other words, no two texts will ever have the same effect on the audience and due to the different functions; they find in different contexts, they will never have the same meaning (synonymous). This feature, i.e. the interweaving of form and content or words and its meaning, has been manifested more than any other text in the Holy Qur'an and therefore it has been rightly said that: The geometry of words in the Qur'an is unique. The Qur'an's view on moral teachings is one of the most unique passages in the analysis of form and content and Sovar Etaq is one of the miracles of moral guidance among the Qur'an's surahs.

Conclusion: What can be stated as the result is that the word alone cannot have an effect in expressing the meaning and the order of phrases; Rather, the beauty of order and rhetoric of style is obtained from the combination of sentences with each other and their combination with their meaning, so order is a composite concept that, in addition to including the science of criticism, syntax and rhetoric, includes elements such as suspense, documents, structure, order and the meanings of syntax.

Keywords: Stylistics; Linguistics; Structural Elements; Verses of the Quran; Ethics

Corresponding Author: Morteza Khorrami; **Email:** m.kh49@yahoo.com

Received: October 23, 2022; **Accepted:** January 15, 2023; **Published Online:** November 18, 2023

Please cite this article as:

Haji Ghazi Astarabadi M, Khorrami M, Mirani A. Linking form and Structure with Content in Sovar Etaq by Relying on Ethica Approaches in the Holy Quran. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. Special Issue on Law and Ethics Innovations. 2022; e7.



پیوند فرم و ساختار با محتوا در سور عتاق با تکیه بر رویکردهای اخلاقی در قرآن کریم

مریم حاجی قاضی استرآبادی^۱، مرتضی خرمی^{۲*}، ارسطو میرانی^۱

۱. گروه معارف اسلامی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

۲. گروه معارف اسلامی، واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائمشهر، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن کریم، اعجاز ادبی و بیانی این کتاب آسمانی است. مفسران و ادیبان مسلمان هر یک به وسع خود کوشیده‌اند پرده از اسرار بلاغت قرآن بردارند، اما حاصل تلاش ایشان در برابر فصاحت و بلاغت بی‌نظیر و ژرفای بی‌حد کتاب وحی ناچیز بوده است. محققان معاصر به بلاغت سنتی ایراداتی گرفته‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به غفلت از بافت و شرکت‌ندادن مسائلی چون اقتضای حال متنی و غیر متنی و پیش‌فرض‌های مخاطب در تحلیل متن و نیز ناکارآمدی روش‌ها، تکراری بودن تحلیل‌ها و ایستایی نظریه‌های بلاغت سنتی اشاره کرد. به همین علت، برای نشان‌دادن جلوه‌های جدیدی از اعجاز قرآن، نیازمند نظریه‌های جدید نقد ادبیات خواهیم بود که از جهانی نظام‌مندتر، خلاقانه‌تر و مؤثرتر از بلاغت سنتی‌اند. از طرفی واژه اخلاق به طور مستقیم در قرآن دیده نمی‌شود، اما آیات بسیاری بر مسائل اخلاقی تأکید دارد. مطالعه پیش رو با هدف بررسی همگرایی فرم و ساختار با محتوا در سور عتاق با نظرداشت رویکردهای اخلاقی در قرآن به انجام رسید.

روش: این تحقیق از نوع نظری است و روش تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر مبنای جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تحقیق حاضر، اصل امانتداری، صداقت، بی‌طرفی و اصالت اثر رعایت شده است.

یافته‌ها: رابطه متقابل فرم و محتوا یکی از اصول اولیه هم در سبک‌شناسی مدرن غربی و هم در بلاغت اسلامی است. طبق این اصل، فرم و محتوای متن نه دو عنصر مجزا، بلکه دو جنبه از پدیده‌ای واحدند که همان «متن» است. به بیان دیگر هیچ دو متنی هیچ‌گاه تأثیری یکسان بر مخاطب نمی‌گذارند و با توجه به کارکرد متفاوتی که در بافت‌های گوناگون پیدا می‌کنند، هیچ‌گاه هم‌معنا (مترادف) نخواهند بود. این ویژگی، یعنی درهم‌تنیدگی فرم و محتوا یا لفظ و معنای آن بیش از هر متن دیگری در قرآن کریم جلوه یافته است، لذا به درستی گفته‌اند که: «هندسه کلمات در قرآن بی‌نظیر است». نگاه قرآن به آموزه‌های اخلاقی جزو بی‌نظیرترین عبارات در تحلیل فرم و محتوا است و سور عتاق یکی از اعجازهای رهنمودهای اخلاقی در میان سوره‌های قرآن است.

نتیجه‌گیری: آنچه می‌توان به عنوان نتیجه حاصله مطرح کرد، این است که واژه به تنهایی نمی‌تواند اثری در بیان معنا و حسن ترتیب عبارات داشته باشد، بلکه حسن نظم و بلاغت اسلوب از ترکیب جملات با یکدیگر و ترکیب آن‌ها با معنایشان حاصل می‌شود. بنابراین نظم، مفهوم مرکبی است که علاوه بر اینکه دربرگیرنده علم نقد و نحو و بلاغت بوده، دربردارنده عناصری چون تعلیق، اسناد، ساختار، ترتیب و معانی نحو می‌باشد.

واژگان کلیدی: سبک‌شناسی؛ زبان‌شناسی؛ عناصر ساختاری؛ آیات قرآن؛ اخلاق

نویسنده مسئول: مرتضی خرمی؛ پست الکترونیک: m.kh49@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۸/۲۷

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Haji Ghazi Astarabadi M, Khorrami M, Mirani A. Linking form and Structure with Content in Sovar Etaq by Relying on Ethica Approaches in the Holy Quran. Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. Special Issue on Law and Ethics Innovations. 2022; e7.

مقدمه

قرآن کتابی است جاودانی که همواره فصاحت بی‌نظیر و بلاغت چشم‌گیر آن، توجه ادیبان و صاحب‌نظران را به خود جلب کرده است، به گونه‌ای که به جرأت می‌توان گفت دوره‌ای نبوده که در آن آثاری بدیع یا تکراری در این‌باره پدید نیامده باشد و این خود بخشی از اهمیت پژوهش در اعجاز بلاغی است. امروزه نیز دلیل‌های جدیدی بر اعجاز قرآن اقامه و وجوه گوناگونی از آن آشکار می‌شود. بررسی پیوند فرم و محتوا و بررسی ساختاری آیات و سوره‌های قرآن از مسائل نوینی است که هرچند ریشه در دیدگاه‌های بلاغیون کهن، چون جرجانی دارد، اما با توجه به مطالعات جدید غربیان در حوزه ساختارشناسی، در این زمان و از زاویه‌ای دیگر می‌توان بدان نگریست، لذا با عنایت به نقشی که مطالعات ساختارشناختی بر کشف تعامل عناصر مختلف متن مقدس قرآن با یکدیگر و در نتیجه میزان تأثیرگذاری آن بر مخاطب و نیز اثبات اعجاز این کتاب وحیانی از طریق نشان‌دادن امتیازات آن بر سایر متون دارد، هرگونه پژوهشی که بتواند نقاط ابهام و عوامل تأثیرگذار بر این فرایند را از جنبه‌های گوناگون روشن سازد و ما را در شناخت ابعاد جدیدی از زیبایی‌های لفظی و معنوی قرآن کریم یاری رساند، دارای اهمیت است. به عبارت دیگر سبک اعجاز‌آمیز قرآن تا زمانی که شب و روز این کتاب تلاوت می‌شود، آدمیان را پیوسته به بررسی و پژوهش فرامی‌خواند و این خود جنبه دیگری از اهمیت پژوهش در اعجاز بلاغی است.

از سوی دیگر، مباحثی چون قواعد و روش‌های تفسیری و اعجاز قرآن - به عنوان نزدیک‌ترین مسأله به تفسیر - از اساسی‌ترین مسائل علوم قرآنی است که دستیابی به معارف قرآن جز از رهگذر آن، دشوار یا ناممکن می‌نماید، لذا محققان معتقد بوده‌اند تا کسی از فنون بلاغت آگاه نباشد، نمی‌تواند آنطور که باید و شاید معانی قرآنی و اعجاز آن را درک کند. با تبیین بلاغت قرآنی است که معلوم می‌شود قرآن چگونه با استفاده از کارآمدترین و هنری‌ترین تکنیک‌های ادبی با خواننده خود ارتباط برقرار کرده و سخن خود را بر جان و دل

او می‌نشانند. اگر به این تکنیک این نکته اضافه گردد که این سبک بدیع در شرایطی در قرآن به کار رفته است که نه تنها در آن زمان‌ها از آن خبری نبود، بلکه در دوران شکوفایی علمی و هنری بشر معاصر نیز هر کس توانایی به کارگیری آن را در آثار هنری خویش ندارد، آنگاه باید اعتراف کرد که قرآن کریم با تکیه بر نظم منحصر به فردش در واقع از اعجاز خود در حوزه ادبی و هنری پاسداری کرده است.

این تحقیق می‌کوشد با سیر در متن سوره‌هایی از قرآن (سور عتاق)، ارتباط کامل و هماهنگ بین نص آیات و موضوعات و عناصر و ادوات آن را در حوزه‌های ساختار و محتوای اخلاقی آیات در سه سطح آوایی، نحوی و بلاغی به تصویر کشد تا نشان دهد قرآن کریم از ساختاری اختصاصی با مضامین اخلاقی برخوردار است که عادت عرب بر چنان ساختاری جریان نداشته و از رتبه‌ای از فصاحت برخوردار است که جز نام «معجزه» بر آن نمی‌توان نهاد.

روش

این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام می‌شود و درصدد است بر اساس آرای زبان‌شناختی، ارتباط ساختار و متن را در برخی سوره‌های قرآن مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و مبسوطاً توصیف کند. در این تحقیق، شیوه گردآوری اطلاعات به صورت نظری و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای است و در تدوین بخش‌ها، از منابع مکتوب شامل مقالات، کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، نرم‌افزارهای علوم اسلامی و سایت‌های معتبر و ابزار فیش‌نگاری استفاده شده است.

یافته‌ها

در این پژوهش با محوریت سور عتاق، بر اساس نظریات جدید در حوزه زبان‌شناسی و با تحلیل فرم و ساختار، ارتباط آن با محتوا، مورد بررسی قرار گرفته است. رابطه متقابل فرم و محتوا یکی از اصول اولیه هم در سبک‌شناسی مدرن غربی و هم در بلاغت اسلامی است. طبق این اصل، فرم و محتوای متن نه دو عنصر مجزا، بلکه دو جنبه از پدیده‌ای واحدند که

اصفهان‌ی در مقدمه مفردات الفاظ قرآن می‌نویسد: «اولین چیزی که مفسر در تفسیر به آن نیاز دارد، علوم لفظی است و از جمله مباحث علوم لفظی، تحقیق از الفاظ مفرد است. به دست‌آوردن معانی مفردات الفاظ در فهم قرآن همانند خشت زیربنای ساختمان است.»

قرآن، در اواخر سده ششم میلادی نازل شد و مخاطبان آن در درجه نخست، مردم جزیره العرب، با آداب و رسوم و فرهنگ ویژه‌ای بوده‌اند. در صورتی مخاطبان قرآن آن را درک می‌کردند که قرآن، به زبان و ادب آنان بر آن‌ها عرضه می‌گردید و چنین هم شده است. بافت زبانی و وجود آداب و رسوم خاص در آن دیار، از قرآن کتابی ویژه ساخته است. کم نیست مسائلی که مربوط به منطقه جزیره العرب و یا دوران نزول قرآن است و آیات قرآن ناظر به آن‌هاست و یا مستقیم به آن‌ها پرداخته است. به همین جهت گاهی رخدادهای بسیار جزئی و غیر چشم‌گیری در آن منعکس شده است. فهم دقیق آیات، مستلزم توجه درست به ساختار زبانی قرآن، بلکه احاطه کامل به ادبیات آن است. شیوه‌ای را که مؤلفان تفاسیر کهن، مثل جامع البیان و مجمع البیان، دنبال کرده‌اند، این واقعیت را بازتاب می‌دهد که ذهن مفسران غیر عرب نیز فهم قرآن را در گرو به کارگیری نکات دقیق ادبیات در متن می‌دانسته‌اند و یا می‌توان گفت روش به کاربرده‌شده در چنین تفاسیری، هیچ تردیدی باقی نمی‌گذارد که فهم دقیق آیات را منوط به فهم درست ادبیات دوران نزول می‌دانسته‌اند. بنابراین وقتی قدم در حریم متن قرآن نهادیم و با انگیزه شناخت سخن خدا صفحات آن را گشودیم، نخستین گام در تعامل با این متن قدسی، شناخت معنای مفردات قرآن است، چراکه قرآن به لغت عربی و در روزگاری معین نازل شده و با توجه به تغییراتی که ممکن است با گذشت زمان در معنای واژه‌ها رخ دهد، ناگزیر مفسر باید با جستجو در منابع فرهنگی، لغوی و نظم و نثر مقارن نزول، معنای واژه در عصر نزول قرآن را شناسایی کند. صرف‌شناسی و علم اشتقاق و آگاهی از ریشه اصلی واژه‌ها به منظور بازشناسی معانی اصلی و تبعی و تفاوت‌های معنایی که اشتقاقیات گوناگون پدید می‌آورد، از جمله تلاش‌های اولیه کار

همان «متن» است. به بیان دیگر هیچ دو متنی هیچ‌گاه تأثیری یکسان بر مخاطب نمی‌گذارند و با توجه به کارکرد متفاوتی که در بافت‌های گوناگون پیدا می‌کنند، هیچ‌گاه هم‌معنا (مترادف) نخواهند بود. این ویژگی، یعنی درهم‌تنیدگی فرم و محتوا یا لفظ و معنای آن بیش از هر متن دیگری در قرآن کریم جلوه یافته است، لذا به درستی گفته‌اند که: «هندسه کلمات در قرآن بی‌نظیر است». نگاه قرآن به آموزه‌های اخلاقی جزو بی‌نظیرترین عبارات در تحلیل فرم و محتوا است و سور عتاق یکی از اعجاز‌های رهنمودهای اخلاقی در میان سوره‌های قرآن است. به طور کلی، می‌توان اصول اخلاقی قرآن را در سه محور رده‌بندی کرد که شامل اخلاق فردی، اجتماعی و الهی می‌باشد.

بحث

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. **واژه‌شناسی:** واژه‌شناسی با کلمات ساده، پیچیده، مرکب و واحدهای معنی‌دار زبان سروکار دارد. واژه‌شناسی بخشی از زبان‌شناسی است که کلمات را مطالعه می‌کند و شامل ماهیت و عملکرد کلمات به عنوان سمبل، معنی آن‌ها، ارتباط معنای آن‌ها با معرفت‌شناسی و به طور کلی، قوانین ترکیب آن‌ها و واج‌ها به عنوان واحد اصلی صدا. واژگان‌شناسی همچنین شامل روابط بین کلمات است. واژه‌شناسی، تجزیه و تحلیل کل واژگان یک زبان است.

قرآن به زبان عربی نازل شده است. زبان و ادبیات عربی، همانند سایر زبان‌ها از قواعد و ساختار ویژه خود سامان یافته است. فهم هر متن عربی و از جمله قرآن، تابع قواعد آن زبان و واژه‌شناسی و معناشناسی آن است. توجه به ریشه واژه‌ها و اشتقاق‌های آن‌ها، هیأت کلمات و ترکیب جملات، وجود استعاره، کنایه، تمثیل، حقیقت و مجاز، پیوستگی‌های لفظی و قطع و وصل‌های کلام، از جمله نکاتی است که در فهم دقیق متن باید مد نظر باشد. زیر ساخت زبان عربی، در فهم درست آن دخالت مستقیم دارد و بی‌گمان بی‌توجهی به ابعاد آن، جوینده را از رسیدن به فهم درست متن باز می‌دارد. راغب

تفسیر است. هوشمندی در تشخیص مشترک لفظی، مشترک معنوی و اصطلاحات خاص قرآنی که در اثر بسامدهای مکرر، وضع تعینی و عرف ویژه قرآنی گرفته‌اند، از جمله شؤونات مفسر قرآن در مرحله واژه شناسی است (۱).

۱-۲. **سبک‌شناسی:** واژه «سبک» عربی است، از ریشه «سَبَكَ» به معنی ذوب‌کردن و در قالب‌ریختن. زمخشری سبک را به معنی پاک‌کردن نقره از ناخالصی آورده است. سابقه کاربرد اصطلاح در زبان عربی به قرن سوم قمری در آثار جاحظ و ابوهلال عسکری می‌رسد. جاحظ در قرن ۲۵۰ قمری در آثارش سبک را مکرراً با صفات نیک و زیبا همراه آورده است. در ادب فارسی و عربی تعبیرهای «طرز، اسلوب، روش، سیاق و نمط» مترادف سبک به کار گرفته‌اند. در زبان فارسی اصطلاح سبک‌شناسی را نخستین بار محمدتقی بهار برای عنوان کتاب خود سبک‌شناسی نثر (۱۳۳۰ ش.) به کار برد. در زبان‌های لاتین، «استیل» به معنی سبک از ریشه ستیلوس است که قلمی نوک تیز بوده و با آن حروف را بر روی صفحه‌های سخت می‌تراشیدند. بعدها این واژه به طور مجازی به روش خاص شکل‌دادن به حروف در نوشتار تعبیه شده است. سبک در معنی عام و متداول‌ترین و رایج‌ترین مفهوم، عبارت است از «شیوه خاص انجام یک کار»، مثلاً مردم پوشیدن لباس یا خوردن غذا را به شیوه‌های مختلفی انجام می‌دهند. ممکن است کسی لقمه را در دهان چندین بار بجود و یکی دیگر لقمه را بلعد. تندجویدن در مقایسه با آرام‌جویدن غذا یک سبک متفاوت است و بلعیدن در قیاس با این دو شیوه، سبک سومی از غذاخوردن است. برای انجام هر کدام از رفتارهای انسانی سبک‌ها و شیوه‌های گوناگونی وجود دارد، پس سبک، شیوه انجام یک کار است. به دشواری می‌توان در رفتارهای نوع بشر، رفتاری یافت که تمام انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌ها آن را به روش‌های واحدی انجام دهند.

معنای اصطلاحی سبک: در تعریف زبان‌شناسان سبک عبارت است از: «شیوه کاربرد زبان در یک بافت معین، به وسیله شخص معین، برای هدف مشخص». از نظر دکتر زرین‌کوب، سبک عبارت است از شیوه خاص در نزد هر گوینده و تعبیر

صادقانه‌ای است از طرز فکر و مزاج طبع او. اگر طبع شاعر تند و سرکش باشد، سبک بیانش غالباً سریع و کوتاه می‌شود و اگر طبعی داشته باشد، خیال‌پرور و رویایی، سبک او آکنده می‌شود از استعارات و مجازات دور و دراز. بوفن (Boffin) نویسنده فرانسوی گفته است: «سبک عبارت است از خود انسان، درست باشد، در سبک نیز مثل خود انسان عوامل گوناگون نفسانی درهم آمیخته است. سبک هر شاعر حاکی است از کیفیت توافقی که بین احوال نفسانی اوست» (۲).

۱-۳. **فرم:** فرم یعنی هر چیزی که دیده شود، شکل، اندازه، رنگ و بافت داشته باشد؛ فضا را اشغال کند، مکانی را مشخص کند و جهتی را نشان دهد. فرم شکلی است مستقل و مثبت که فضا را اشغال می‌کند و قابل تشخیص از پس‌زمینه است. همان‌گونه که این تعریف نشان می‌دهد فرم چیزی بیشتر از حجم، ساختار و شکل است. فرم در واقع تصویر ذهنی بیننده از یک موضوع است که شامل تمام مواردی از قبیل شکل، حجم، بافت، رنگ، مقیاس، جهت و ساختار می‌شود. موارد ذکرشده، هر کدام اطلاعاتی از یک بعد فرم را ارائه می‌دهند، اما خود فرم مفهومی است که از مجموعه این اطلاعات در ذهن شکل می‌گیرد. در این تعریف فرم یک مفهوم ذهنی و کلیتی از چند جزء است (۳).

۱-۴. **محتوا:** محتوی نعت مفعولی از «احتواء» است، به معنی محصور و محاط و گرداگرد فروگرفته‌شده، جمع‌آمده، گردشده، محتوای چیزی، درون و داخل آن، آنچه در آن است. در تکوین یک اثر هنری، محتوا سیر تکامل معینی را طی می‌کند. هنرمند به واسطه احساساتش از یک موضوع برانگیخته می‌شود. موضوع ممکن است شباهتی بازنمایانه داشته یا نداشته باشد، سپس هنرمند از عناصر بصری هنری (خط، شکل و نظایر آن) استفاده می‌کند تا نوعی فرم را خلق کند که منجر به محتوای مورد نظر خواهد شد. پیام عاطفی یا عقلانی یک اثر هنری محتوای آن است. محتوای گزاره، بیان یا حال و هوایی است که بیننده به این امید که مطابق مقصود هنرمند باشد، در اثر تشخیص می‌دهد. برای بسیاری از مردم، محتوا به تداعی‌های آشنا محدود می‌گردد و معمولاً معادل احساساتی

است که با ایده‌ها یا امور شناخته‌شده برانگیخته می‌شوند. این امر آشکارا محدودسازی خویش است؛ محدود شدن به آن دسته از بیننده‌هایی که تجربه‌های مشابهی داشته‌اند. محتوای وسیع‌تر و عمیق‌تر، صرفاً به نقش وابسته نیست، بلکه با فرم خلق‌شده توسط هنرمند تقویت می‌شود. محتوا بیان معنای ذاتی، دلالت یا ارزش زیبایی‌شناختی یک اثر هنری می‌باشد. محتوا به ویژگی‌های حسی، ذهنی، روان‌شناسانه یا عاطفی مربوط است که در یک اثر هنری درک می‌کنیم و با ادراکمان از وجوه صرفاً توصیفی آن در تضاد است (۴).

۵-۱. ساختار: ساختار، حاصل کلیه روابط عناصر تشکیل‌دهنده اثر با یکدیگر است، یعنی ارتباط ذاتی میان همه عناصر اثر ادبی و هنری که تمامیت و کلیت آن اثر را دربر می‌گیرند و به اثر، انسجام و یکپارچگی می‌دهند. به عبارت دیگر ساختار پیوندی یکپارچه و منسجم میان همه عناصر ادبی و هنری است که شاعر، نویسنده و هنرمند، آن را با به کارگیری همه عناصر ادبی و هنری به طرز هنرمندانه، پدید می‌آورد. همه اجزا و عناصری که در ارتباط با یکدیگر و با کلیت ساختی بزرگ‌تر قرار دارند و بدون هیچ یک از این اجزا، معنایی ندارند، ساختار نامیده می‌شوند. این اجزا و عناصر در پیوندی تنگاتنگ با یکدیگر قرار دارند و مجموعه این اجزا و عناصر است که کلیتی مرتبط و منسجم می‌سازد. به عبارت دیگر ساختار، یعنی سازمان، سیستم، شکل، آناتومی، راهی که طی آن قطعات یک چیز به هم متصل شوند و یک کلیت را تشکیل دهند و یا چیزی که این قطعات باعث ساخت آن شوند (۵).

۶-۱. سوره: سوره از سور البلد به معنای حصار شهر است و چون سوره آیاتی را احاطه کرده است، آن را سوره نامیده‌اند. گروهی از آیه‌ها را که در نظم قرآنی میان دو بسم الله و از پی هم قرار گرفته، سوره نامند. برای لفظ سوره معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند، از جمله:

- مخفّف و تسهیل‌یافته، در این صورت، سوره، تلفظ می‌شود که در اصل به معنای باقی‌مانده آشامیدنی در ظرف می‌باشد و چون سوره قرآن قطعه و قسمتی از آن است، بدین جهت سوره‌اش نامیده‌اند.

- سوره از سور، به معنی حصار و باره شهر است، چون سوره قرآن، پیرامون آیاتی را احاطه کرده و آن‌ها را گرد هم به صورت واحدی درآورده و نیز همچون باره شهر، بلند مرتبت و رفیع است، آن را سوره می‌نامند.

- سوره از سوار است که معرب دستواره (= دستبند) می‌باشد و چون سوره قرآن مانند دستواره‌ای آیاتی از قرآن را دربر گرفته است، سوره نامیده شده است.

- مقام و منزلت رفیع.

- سوره از تصور (= تصاعد و ترکیب) است و از کلمه «تَسَوَّرُوا» در آیه «إِذْ تَسَوَّرُوا الْمَحْرَابَ» همین معنی اراده شده است، زیرا سوره‌های قرآن بر روی هم قرار گرفته‌اند، لذا آن‌ها را سوره می‌نامند.

قرآن شامل ۱۱۴ سوره است که منظور از سور در این پژوهش، پنج سوره اسراء، کهف، مریم، طه و انبیاست (۶).

۷-۱. اخلاق: اخلاق از واژه خلق گرفته شده است. اخلاق را مجموعه اعمال و رفتاری می‌دانند که ناشی از خلیات درونی انسان است. قرآن کریم در مباحث متنوعی و در قالب آیات و به طور گسترده به اخلاق‌گرایی اشاره کرده است. کلمه اخلاق به طور مستقیم در قرآن به کار نرفته، اما واژه خلق دو بار ذکر شده است. اول در باب پیامبر که خداوند می‌فرماید: «و اینکه تو ملکات و اخلاق بس بزرگی داری که بر آن مسلطی»؛ دوم مخاطبان حضرت هود در پاسخ به دعوت‌های مکرر او به اخلاق پسندیده عقلی و شرعی، گفتند: «چه تو ما را موعظه کنی و چه از وعظ و تبلیغ ما دست برداری، ما ایمان نخواهیم آورد؛ این جز شیوه پیشینیان نیست»، اگرچه واژه خلق صرفاً در این دو آیه به کار رفته است، ولی بسیاری از آیات قرآن کریم با مسائل اخلاقی ارتباط دارد، زیرا از طرفی پیامبر اسلام فرموده است: «من برای تمام و کامل کردن مکارم اخلاق به پیغمبری مبعوث شدم» و از سوی دیگر قرآن نیز سند بعثت پیامبر ختمی مرتبه است.

همچنین شایان ذکر است که اصول اخلاقی قرآن در سه محور اخلاق فردی، اجتماعی و الهی خلاصه می‌گردد.

۱-۷-۱. **اخلاق فردی:** منظور از اخلاق فردی، اصولی است که صرف نظر از حیثیت اجتماعی انسان، به بیان ارزش‌های اخلاقی او می‌پردازد.

۱-۷-۲. **اخلاق اجتماعی:** وقتی اخلاق به صورت مطلق به کار می‌رود، بیشتر به اخلاق اجتماعی نزدیک است که به بیان اصول ارزشی، حاکم بر روابط اجتماعی انسان می‌پردازد. مهم‌ترین اصل حاکم بر روابط اجتماعی رعایت عدل و پرهیز از ستم است.

۱-۷-۳. **اخلاق الهی:** یا اخلاق دینی شامل ارزش‌های حاکم بر رابطه انسان با آفریدگار خویش است. از دیدگاه قرآن انسان آفریده پروردگار است و در آیات بسیاری انسان به معاد و رسالت دعوت شده است.

۲. **مفهوم‌شناسی ساختارگرایی:** ساختارگرایی حرکتی فکری در علوم انسانی است که تأثیری عمیق بر زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و سایر زمینه‌ها دارد و سعی می‌کند یک حوزه خاص را به عنوان یک سیستم پیچیده از قطعات به هم پیوسته تحلیل کند. ساختارگرایی معتقد است که تمام فعالیت‌های انسانی و محصولات آن، ساخته شده و طبیعی نیستند. همچنین معتقد است که همه چیز دارای معنی است. اساس ساختارگرایی بر روی مفاهیمی است که هر سیستم دارای یک ساختار و این ساختار موقعیت هر عنصر از یک کل را تعیین می‌کند که قوانین ساختاری با همزیستی نسبت به تغییرات سروکار دارند و اینکه ساختارها «چیزهای واقعی» هستند که در سطح معنا نهفته‌اند. در مطالعات زبان و زبان‌شناسی، ساختارگرایی شامل جمع‌آوری مجموعه‌ای از جملات و سپس تلاش برای طبقه‌بندی همه عناصر پیکره در سطوح مختلف زبانی است. همچنین سعی می‌شود با بررسی مؤلفه‌های فردی و نحوه تعامل آن‌ها با یکدیگر، موضوعات گسترده توضیح داده شود (۷).

۲-۱. **جایگاه نشانه در ساختارگرایی:** نشانه، دال و مدلول مفاهیمی از مکتب فکری ساختارگرایی محسوب می‌شوند. از نظر سوسور، مؤلفه‌های اساسی یک زبان و کلیه محصولات ذهنی انسان و رفتارهای فرهنگی نشانه هستند: ۱- اصل اصلی

ساختارگرایی این است که پدیده‌های زندگی بشر، چه زبان و چه رسانه، قابل درک نیستند، مگر از طریق شبکه روابط آن‌ها و این باعث می‌شود که نشانه و سیستم (یا ساختار) که نشانه در مفهوم اولیه تعبیه شده است، مفاهیم اصلی باشند، بدین ترتیب یک نشانه - به عنوان مثال، یک کلمه - معنای آن فقط در رابطه با سایر علائم موجود در یک سیستم نشانه معنی می‌یابد. به طور کلی، دال و مدلول از اجزای خود نشانه هستند که توسط پیوند تداعی بین دال و مدلول شکل گرفته‌اند. با این حال حتی با وجود این دو مؤلفه، نشانه‌ها فقط در تقابل با سایر علائم وجود دارند، یعنی علائم در اثر روابط ارزشی آن‌ها با علائم دیگر ایجاد می‌شوند. تضادهایی که بین نشانه‌های همان ماهیت در شبکه‌ای از روابط ایجاد می‌شود، چگونگی برداشت نشانه‌ها از معنای خود است (۸).

با این وجود اینکه بگوئیم زبان محصول نیروهای اجتماعی است، به طور خودکار توضیح نمی‌دهد که چرا به شیوه‌ای که هست، محدود می‌شود. با توجه به اینکه یک زبان همیشه میراث گذشته است، باید اضافه کرد که نیروهای اجتماعی مورد نظر در یک دوره زمانی خاص عمل می‌کنند. اگر ثبات از ویژگی‌های زبان‌ها باشد، فقط به این دلیل نیست که زبان‌ها در جامعه محکم شده‌اند. آن‌ها همچنین از نظر زمانی محکم می‌شوند.

هدف از تحلیل ساختاری، آشکارسازی ساختارهای عمیق متون است. ساختارگرایی مبتنی بر نشانه‌شناسی است، یعنی نظریه نشانه. بر اساس باورهای نشانه‌شناسان، همه سیستم‌ها از نشانه‌های دلخواه ساخته شده‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به راننده‌ای که در برابر چراغ سبز واکنش نشان می‌دهد اشاره کرد: سبز به معنای روشن است. چراغ‌ها به عنوان نشانه‌هایی که می‌توانند اجازه یک عمل یا واکنش را بدهند. نشانه‌شناسی اقدامات نشانه‌ها را در سیستم‌ها و کدهایی را که بر معنی آن‌ها حاکم هستند، مطالعه می‌کند. سیستم‌های نشانه کاملاً پیچیده هستند. چراغ‌های راهنمایی در مقایسه با روایت‌ها و متون، کمتر دستوری هستند، اما الگوی واکنش به علائم، اساس کاربردهای آن‌ها را ایجاد می‌کند (۹).

۲-۲. انواع ساختارگرایی: به طور کلی، ساختارگرایی دو نوع است:

۲-۲-۱. ساختارگرایی ذره‌ای: که در آن عناصر کاملاً جدا از نقش آن‌ها در چیزی بزرگ‌تر، مانند عناصر داستان عامیانه در نظریه ولادیمیر پروپ (Vladimir Prop) مشخص شده‌اند. پروپ معتقد بود که انجام تحقیق بر اساس مفاهیم وی در هر قلمرو از ساختار داستانی امکان‌پذیر است. به این ترتیب، او می‌تواند کارکردها و نقش‌های خاصی را برای شخصیت‌های مختلف یک روایت مطابق با تشبیه دقیق عناصر داستانی مشخص کند. بنابراین او نه تنها می‌تواند شخصیت‌های مختلف داستان‌های مختلف را در این الگوهای ساختاری گنجانده باشد، بلکه همچنین می‌تواند روابط آن‌ها را با یکدیگر در روابط ریاضی قیاس کند و می‌تواند از طریق توجه دقیق به روابط و عدم توجه به محتوا به جنبه‌های مشترک صدها افسانه معروف پی ببرد.

۲-۲-۲. ساختارگرایی کل‌نگر یا فرازمانه‌ای: که در آن آنچه به عنوان یک عنصر ممکن محسوب می‌شود، جدا از سیستم عناصر تعریف می‌شود، اما آنچه که به عنوان یک عنصر واقعی محسوب می‌شود، تابعی از سیستم کاملی است از تفاوت‌ها که عنصر داده شده، بخشی از آن است. برای ساختارگرایان کل‌نگر مانند لوی اشتراوس (Louis Strauss)، کلیه اصطلاحات ممکن باید جدا از هر سیستم خاصی تعریف شوند (مشخص شوند)، سپس سیستم خاص اصطلاحات تعیین می‌کند که کدام اصطلاحات احتمالی در واقع عناصر به حساب می‌آیند، یعنی سیستم، امکان تفکیک عناصر را فراهم می‌کند. لوی اشتراوس به طور خلاصه این روش را بیان می‌کند: «روشی که ما اتخاذ می‌کنیم شامل عملیات زیر است:

- پدیده مورد مطالعه را به عنوان رابطه‌ای بین دو یا چند اصطلاح واقعی یا فرضی تعریف کنید.

- جدول جایگزینی‌های احتمالی بین این اصطلاحات را بسازید.

- این جدول را به عنوان هدف کلی تحلیل در نظر بگیرید که فقط در این سطح می‌تواند عملکرد لازم را داشته باشد.

ارتباطات، پدیده تجربی در نظر گرفته شده است، که در آغاز تنها یک ترکیب ممکن در میان دیگر ترکیبها است که سیستم کامل آن باید از قبل بازسازی شود».

به عنوان مثال، برای لوی اشتراوس در خام و پخته، خام، پخته و پوسیده به عنوان سه عنصر احتمالی مشخص شده است، سپس هر سیستم واقعی از عناصر تعیین می‌کند که چگونه در آن سیستم این سه عنصر ممکن جدا شوند. به عنوان مثال آن‌ها را می‌توان در تقابل‌های دوتایی مانند خام در مقابل پخته و پوسیده، یا خام و پوسیده در مقابل پخته گروه‌بندی کرد یا هر یک از سه عنصر را می‌توانند به تنهایی حساب کنند (۱۰).

۳. معرفی و شناسنامه سور عتاق و محتوای اخلاقی آن‌ها: «عتاق» جمع «عتیق» و به معنای کهنه و قدیم و «تلاد» نیز به معنی هر چیز قدیمی و با برکت و یا متصف به صفت کمال است، همچون مالی که برای کسی سرمایه اولیه بوده و زیاد شده و یا دوست قدیمی آزموده و مورد اطمینان.

به سوره‌هایی که در آغاز نزول وحی در مکه نازل شده و به پیامبر تعلیم داده شدند و بعد سوره‌های دیگر به آن اضافه شدند، «سور عتاق»، «سور تلادی» و «عتاق اول» می‌گویند که شامل پنج سوره اسراء، کهف، مریم، طه و انبیاء است. همچنین از آن جهت که در این سوره‌ها بیشتر به اقوام گذشته و داستان‌های آن‌ها می‌پردازند به «عتاق» موسوم شدند، یعنی سوره‌هایی که به قدیم اشاره دارند. پنج سوره اسراء، کهف، مریم، طه و انبیاء که از سوره‌های بلند مکی هستند، عتاق نامیده می‌شوند اختلاف نظر درباره مکی و مدنی بودن، گاهی درباره اصل سوره است که آیا سوره مکی است و یا مدنی؟ و زمانی در مورد بعضی از آیات است که آیه ه خصوص و یا آیات به خصوصی، هرچند در سورهایی که مثلاً مدنی است، ممکن است مکی باشد (۱۱).

۳-۱. سوره اسراء و محتوای اخلاقی آن: علامه طباطبایی در تفسیر المیزان موضوع اصلی سوره اسراء را اخلاق‌مداری دینی با محوریت توحید و تنزیه خداوند دانسته است. به نظر وی تسبیح و تنزیه خداوند در این سوره بر حمد و ثناء او غلبه دارد و در آیات مختلف ساحت خداوند را از داشتن ولی،

شریک و فرزند منزله می‌داند. تفسیر نمونه بحث‌های عقیدتی، اخلاقی و اجتماعی سوره اسراء را مجموعه کاملی می‌داند که برای ارتقا و تکامل بشر در زمینه‌های اخلاقی سودمند است. محورهای کلی سوره اسراء بدین شرح می‌باشد: دلائل نبوت به ویژه قرآن و معراج، مسأله معاد، کیفر، پاداش، نامه اعمال و نتایج آن، بخشی از تاریخ قوم بنی‌اسرائیل، مسأله آزادی اراده و اختیار و بازگشت نتیجه عمل به خود انسان، مسأله حساب و کتاب در زندگی این جهان، حق‌شناسی درباره خویشان و به ویژه پدر و مادر، تحریم اسراف، تبذیر، بخل، فرزندکشی، زنا، خوردن مال یتیمان، کم‌فروشی، تکبر و خون‌ریزی، بحث‌هایی در زمینه توحید و خداشناسی، مبارزه به لجاجت و تعصب در برابر حق، شخصیت انسان و فضیلت و برتری او بر دیگر مخلوقات، تأثیر قرآن برای درمان بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی، اعجاز قرآن و عدم توانایی مقابله به آن، وسوسه‌های شیطان و هشدار به مؤمنان درباره راه‌های نفوذ شیطان در انسان، بخشی از تعلیمات اخلاقی که فرازهایی از تاریخ پیامبران به عنوان درس‌های عبرت برای همه انسان‌ها است (۱۲).

آیاتی از سوره اسراء دارای نکات تفسیری است:

- بازگشت نتیجه عمل انسان: آیه ۱۳ سوره اسراء اعمال انسان را آویخته بر گردن او تعبیر می‌کند که هیچ‌گاه از او جدا نمی‌گردند. در مجمع البیان واژه «طائر» در این فراز از آیه ۱۳ «وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ» را اشاره به اعمال انسان می‌داند که مانند پرنده‌ای اطراف انسان پرواز می‌کند. این اصطلاح از عرب گرفته شده، زمانی که پرنده‌ای از چپ به راست پرواز می‌کرد آن را به فال نیک می‌گرفتند و حرکت عکس آن را به فال بد تعبیر می‌کردند.

- دادن حق ذی القربی: درباره «ذَا الْقُرْبَى» (خویشاوندان) در آیه ۲۶ سوره اسراء، این پرسش برای مفسران مطرح شده است که منظور از خویشاوندان، همه هستند یا تنها خویشاوندان پیامبر. به گفته تفسیر نمونه، احادیث فراوانی از ائمه شیعه، «ذَا الْقُرْبَى» را اهل بیت پیامبر، دانسته‌اند، اما این احادیث منظور آیه را محدود نکرده و تنها مصداق کامل آن را بیان کرده‌اند. بنابراین هر کس در خصوص خویشاوندانش مسئولیت

دارد. بنا بر روایات شیعه و سنی، با نزول این آیه، پیامبر (ص) فدک را به حضرت فاطمه (س) بخشید.

- مسئولیت گوش و چشم و دل: خداوند در آیه ۳۶ سوره «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ» انسان را از پیروی چیزی که بدان علم ندارد، نهی کرده است که بر اساس نظر علامه طباطبایی هم اعتقاد غیر علمی و هم عمل غیر علمی را شامل می‌شود. وی عدم پیروی از غیر علم را مطابق با فطرت انسانی می‌داند که در مسیر زندگی‌اش جز رسیدن به واقعیت هدفی ندارد و آن هم فقط از طریق پیروی از علم حاصل خواهد شد و با شک، وهم و گمان توان دستیابی به این هدف وجود نخواهد داشت. در این آیه علت عدم پیروی از غیر علم را به دلیل مسئولیت گوش و چشم و قلب دانسته است. برخی مفسران یادآوری این سه عضو را به نیابت از صاحب آنان دانسته و اینکه خداوند صاحب آنان را پاداش می‌دهد یا مجازات می‌کند. در مقابل عده‌ای دیگر مسئولیت گوش و چشم و قلب را به گواهی آنان بر علیه آدمی تفسیر کرده و معتقدند خداوند همین اعضا را مورد بازخواست قرار می‌دهد و آن‌ها ناچار از گفتن حق هستند، زیرا آن‌ها وسایل تحصیل علم هستند و پیروی انسان از غیر علم باعث گواهی آنان بر علیه انسان خواهد شد و انسان عذری نخواهد داشت (۱۳).

- کوری در آخرت: آیه ۷۲ سوره اسراء که بر کور محسورشدن برخی افراد در آخرت اشاره دارد را نشانه یکسانی و مطابقت حیات دنیوی و اخروی دانسته‌اند. علامه طباطبایی مراد از کوری در آخرت را کوری چشم نمی‌داند، بلکه منظور نداشتن بصیرت و دیده باطنی است، چنانکه در آیات دیگر قرآن از جمله آیه ۴۶ سوره حج «فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» این کوری را کوری بصیرت معنا کرده است و منظور این است که هر که در این دنیا امام حق را نشناسد و راه حق را نپیماید، در آخرت سعادت و رستگاری نمی‌بیند. طبرسی کوری آخرت را نتیجه ندیدن آیات خداوند در دنیا می‌داند و از ابن عباس نقل کرده که ندیدن نعمت‌های الهی باعث کوری در قیامت خواهد شد. از فخر رازی نیز نقل است کوری در آخرت شدیدتر از کوری در دنیا خواهد بود و عقوبت بیشتری نیز تحمل خواهد کرد.

عمل انسان طبق ویژگی‌های شخصیتی: آیه ۸۶ اعمال انسان را مبتنی بر اخلاق و خلیات و «شاکله» او دانسته است. گفته‌اند: «منظور از آن شخصیت روحی و روانی و اخلاقی انسان است که همه رفتارهای او ریشه در آن دارد.» علامه طباطبایی ضمن بیان چنین تفسیری از شاکله، تأکید کرده است که شخصیت انسان تنها اقتضای انجام رفتاری خاص را دارد و هیچ‌گاه انسان را به انجام کاری مجبور نمی‌کند (۱۴).

۳-۱- ساختار معنایی سوره اسراء: سوره با ذکر آیه اسراء و با رحمت و منت خداوند در مصاحبت و همراهی با پیامبر شروع می‌شود، سپس با منت و رحمت تورات بر بنی‌اسرائیل ادامه می‌یابد؛ فرستادن کتاب برای موسی (ع) و هدایت بنی‌اسرائیل به وسیله آن، وفای به وعده به پدرانشان (سرنشینان کشتی نوح) بود، سپس جریان سنت الهی را در هدایت انسان و توحید خاطر نشان فرمود و خلاصه آن سنت این است که خداوند هر کس را که دعوت حق را بپذیرد، در دنیا و عقبی سعادت‌مند می‌کند و هر کس به حق کفر ورزد و از امر او سرپیچی کند، در دنیا و آخرت عقاب کند و ذکر نزول تورات و حوادث بنی‌اسرائیل از جهت تطبیق حکم کل این سنت بر افراد و مصادیق آن بود و می‌فرماید این سنت همانطور که در امت موسی (ع) جریان یافت. در این امت نیز جریان می‌یابد و تأکید می‌فرماید که هدایت هر کس به سود وی و ضاللتش علیه خود اوست و خدا به رحمت واسعه‌اش، عذاب دنیوی را مقید به قیدی کرده و آن، بعد از فرستادن رسول و انذار او می‌باشد، اما بعد از انذار اگر قومی دعوت رسالت را نپذیرد و طغیان و معصیت کند، حکم قطعی درباره آن‌ها، هلاکت است، سپس به بیان سنتش در عذاب اخروی و ثواب آن می‌پردازد و بعد، ملاک ثواب اخروی و خلاصه گفتار و اصل کلی در این باب را بیان می‌فرماید (۱۵).

در بیان ملاک ثواب اخروی، امر به اخلاص در پرستش را که از واجب‌ترین واجبات است، اول بیان کرده و بعد سایر احکام را ذکر می‌فرماید و بار دیگر بر اخلاص تأکید ورزیده و از شرک نهی می‌کند. توحید را با سرزنش مشرکین دنبال کرده است که با آمدن قرآن و ادله توحیدی، آیات قرآنی را نمی‌فهمند و

سخنان زشتی درباره خدا می‌گویند، پیامبر را استهزا و معاد را انکار می‌کنند و با تعجب و انکار، زمان معاد را سؤال می‌کنند و در پاسخ، پیامبر حوادث قبل از قیامت را بیان می‌فرماید، چون مسلمانان نیز به مشرکین سخنان درشت می‌گفتند، مردم را به خوش‌زبانی دعوت کرده و ادب را ملاک برتری معرفی می‌فرماید: ضمن توصیف اوصاف و حوادث قبل از قیامت، مشرکین را انذار می‌کند و ناتوانی و عجز معبودهایشان را متذکر می‌شود، وجود فتنه‌های الهی و محاصره شیطان با قشون سواره و پیاده‌اش را خاطرنشان کرده و راه نجات را، اخلاص و عبودیت معرفی می‌فرماید، استجابت دعا و دفع ضرر را همراه با خلاصه‌ای از کرامت‌های خویش برای انسان می‌شمارد. نیرنگ‌های مشرکین را تذکر داده و تهدیدشان می‌کند؛ پیامبر را از آنان بر حذر می‌دارد و برای تحمل مشکلات به نماز و توسل به درگاه پروردگار توصیه می‌فرماید. به پیامبر می‌فرماید که چگونه دعا کند تا دعایش مستجاب باشد و امر می‌کند که اعلام کن که حق آمد و باطل رفتنی است؛ حق قرآن، توحید و دین اسلام است که امراض قلبی را معالجه می‌کند و صحت و استقامت نفسانی می‌آورد؛ به روشنی و صراحت به تمامی خصوصیات قرآن تحدی می‌کند که اگر تردید دارید مثل این کتاب را بیاورید، سپس ناسپاسی مردم را بر دعوت حق قرآن، ملامت می‌کند، مشرکان بهانه آورده و ایمان خود را مشروط کردند و انجام کارهایی را از پیامبر خواستند که پیامبر در پاسخ فرمود که من ادعای نبوت کردم و نه ربوبیت، خدا را شاهد بر حقانیت دعوت و صحت رسالت خود گرفته و ختم دعوا می‌کند، اتمام حجت می‌کند که راه باز است، هر کس به اختیار خود هدایت شود، از هدایت پاداشی بهره می‌برد و هر کس به سوء اختیار خودش بیراهه رفت، خداوند بعد از اتمام حجت، او را به حال خود وامی‌گذارد، کیفیت حشر تبهکاران را برایشان بیان می‌کند و نبوت را رزق نیکویی از خزائن رحمت پروردگار می‌داند که به هر که بخواهد می‌دهد.

در بخش‌های پایانی، وضع رسول خدا، معجزه قرآن، اعراض مشرکین و درخواست معجزات بیهوده را به وضعیت حضرت

موسی (ع) تشبیه می‌فرماید؛ بعد از این تشبیه، دوباره به بیان حال قرآن و ذکر اوصاف آن برمی‌گردد و می‌فرماید اسمای الهی وسایل خواندن خدا هستند، هر یک از آن‌ها را بخوانید مانعی ندارد و چگونگی حمد و تعظیم را می‌آموزد. از لطایفی که در این سوره به کار رفته این است که اولین آیه‌اش با تسبیح افتتاح و آخرین آیه‌اش با تحمید افتتاح و با تکبیر اختتام یافته است، تسبیح و سبحان برای این است که خداوند نه تنها بی‌نیاز است، بلکه نیاز بشر را نیز تأمین می‌کند و حمد و سپاس سزاوار خدای بلندمرتبه است. درس سوره این است که خداوند کتابی را بر بنی‌اسرائیل نازل کرد و در آن هدایت را قرار داد و از بنی‌اسرائیل خواست که شکر آن را به جا بیاورند (با عمل به دستورات آن)، پس فاسد شدند و خداوند هم کسانی را بر آن‌ها مسلط ساخت، پس ای امت خداوند کتابی را بر شما نازل کرده و آن را مایه هدایت قرار داده پس مبدا منحرف شوید (۱۶).

۲-۳. سوره کهف و محتوای اخلاقی آن: درباره محتوا و غرض سوره کهف، گفته شده که این سوره با بیم و بشارت، مردم را به سوی اعتقاد به حق و عمل نیکو دعوت می‌کند. در این سوره بر فرزند نداشتن خداوند تأکید شده است، چنانکه آیاتی از آن حاوی تهدید کسانی است که معتقد بوده‌اند خداوند فرزند دارد. مخاطب بخشی از این سوره، دوگانه‌پرستانی هستند که معتقدند ملائکه و جن و افراد صالح، فرزند خدایند و همچنین مسیحیان که معتقدند عیسی مسیح فرزند خداست. همچنین گفته شده بعید نیست این سوره برای بیان سه داستان عجیب اصحاب کهف، موسی و بنده‌ای از بندگان خدا و حکایت ذوالقرنین به جهت تعلیم آموزه‌های اخلاقی در باب عدم کبر و غرور در علم و مقام و مرتبه نازل شده باشد. این سه داستان برخلاف بیشتر داستان‌های دیگر قرآن که پراکنده در سوره‌های مختلف‌اند، یک جا آمده‌اند (۱۷). در بخش اول سوره در داستان موسی و خضر با صحنه شگفت‌انگیزی برخورد می‌کنیم که نشان می‌دهد حتی دامنه علم یک پیغمبر اولوالعزم که آگاه‌ترین فرد زمان خویش است، در بعضی از جهات محدود است و به سراغ معلمی می‌رود که

به وی درس بیاموزد (مسأله انتخاب معلم به عنوان یک فضیلت اخلاقی آنقدر مهم است که گاهی انبیا هم مأمور به انتخاب استاد می‌شدند. در بخش دوم سوره در آیه ۶۵ اشاره دارد به هنگامی که موسی و همسفرش به نقطه عزیمت خود بازگشتند، در آنجا «بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که رحمت از سوی خود به او داده و علم فراوانی از نزد خود به او آموخته بودیم» تعبیر «وَجَدَ» به معنای به دست آوردن نشان می‌دهد که آن‌ها در جستجوی همان عالم بودند و سرانجام گمشده خود را یافتند. جمله «عَبْدًا مِنْ عِنْدِنَا؛ بنده‌ای از بندگان ما» نشان می‌دهد که برترین افتخار یک انسان آن است که بنده راستین خدا باشد و مقام عبودیت، انسان را مشمول رحمت الهی می‌سازد. منظور از «فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا» «عَبْدًا»: این بنده خدا (خضر) نام داشته است و باید پیغمبر بوده باشد، چراکه: ۱- خداوند نسبت بدو فرموده است: «آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا» رحمت هم به معنی نبوت آمده است؛ ۲- علم لدنی، مقتضی وحی است: «وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»؛ ۳- او به موسی چیزهایی آموخته است و پیغمبر هم جز از پیغمبر کسب علم نمی‌کند؛ ۴- جمله «مَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي» در سوره کهف دلیل نبوت است.

۳-۲-۱. ابعاد ساختاری سوره کهف: سوره کهف، هجدهمین سوره قرآن و از جمله سوره‌های مکی است و ۱۱۰ آیه دارد. این سوره مشتمل بر داستان‌هایی رمزی و تمثیلی است که از دیرباز تا کنون، ذهن قرآن پژوهان را مشغول کرده است. داستان‌هایی از قبیل داستان‌هایی چون یاران غار، صاحبان باغ‌های خرما و انگور، ملاقات موسی (ع) با خضر، ذوالقرنین و یاجوج و ماجوج، چنانکه از نص صریح قرآن در این سوره و سیاق آیات و منابع تفسیری برمی‌آید، موضوعات اساسی و محوری در سوره کهف عبارتند از: اثبات معاد، تقابل دنیا و آخرت، اوصاف و ویژگی‌های بهشت و جهنم، بیان باور به حکمت و قدرت حق و لزوم اطاعت از اوامر الهی، با تأمل در این معانی و تعمق در فرم و محتوای داستان‌های این سوره و آیات طرح‌شده در قبل و بعد این قصه‌ها و به اصطلاح قرآنی آن، از سیاق آیات دریافت می‌شود که پیام‌های سوره در قالب

داستان منتقل شده است. می‌توان گفت، موضوعی که در این سوره عامل پیوند نظام‌مند بخش‌های مختلف آن به یکدیگر شده است، «رحمت الهی» است. ژرف‌ساختی که به شکل دوری، داستان‌های سوره را که با هدف تسلا‌ی پیامبر و یادآوری رحمت الهی در بطن داستان، در یک کل گرد هم آمده‌اند، به یکدیگر نزدیک می‌سازد. برای فهم معنای سوره، باید از داستان‌های سوره آغاز کرد. پیام‌های سوره کهف که پیام‌های آن در قالب داستان، یکی از معیارهای صوری در تحلیل محتوای سوره است. فصل مشترک در بیان مفاهیم مختلف، ظرف داستانی است (۱۸).

- داستان اصحاب کهف، روایت جوانانی سرشار از ایمان است که تصمیم گرفتند از مردمانی با ایده‌های خرافی بیزاری جویند و در چنین فضای روزگار سپری نکنند، در نهایت عاری را به عنوان میهن خود برگزینند.

- داستان اصحاب جنتین یکی دیگر از داستان‌ها، رویارویی دو قطب کفر و ایمان در مسأله معاد، یک اندیشه بنیادی است.

- داستان موسی و خضر (ع)، اگرچه افرادی کارآمد و عالم به دانش‌های مختلف در این روایت حضور دارند، اما احاطه علم الهی در برابر دانش محدود بشری به اثبات می‌رسد. در سازه این داستان سه اپیزود به منصف ظهور می‌رسد که انسجام این سه داستان در یک قالب کلی و ارتباط محتوایی آن‌ها با هدف سوره، هماهنگ است.

- داستان ذوالقرنین داستان بنده‌ای از بندگان خدا است که خدا علم، نیرو، ادوات ارتباطات را مسخر وی ساخت. او در طول داستان با اقوامی رو به رو می‌شود که بررسی احوال آنان، رویکرد جامعه‌شناختی و مردم‌شناسی قرآن را تبیین می‌کند. در این داستان بهره‌وری از امکانات تکنولوژی‌ها در جهت حق و حقیقت مطلوب شمرده شده است (۱۹).

۳-۳. سوره مریم و محتوای اخلاقی آن: تفسیر نمونه محتوای سوره مریم را در چهار بخش این‌چنین خلاصه کرده است: مهم‌ترین بخش سوره پرداختن به سرگذشت زکریا، مریم، مسیح، یحیی، ابراهیم و فرزندش اسماعیل، ادريس و بعضی دیگر از پیامبران الهی است؛ بررسی مسائل مربوط به

قیامت و چگونگی رستاخیز و سرنوشت مجرمان و پاداش پرهیزکاران و مانند آن؛ مواظ و نصایح که مکمل بخش‌های قبلی است؛ اشاراتی مربوط به قرآن، نفی فرزند از خداوند و بیان مسأله شفاعت که مجموعاً برنامه تربیتی مؤثری را برای سوق نفوس انسانی به سوی ایمان، پاکی و تقوا و اخلاق دینی را تشکیل می‌دهد (۲۰). علامه طباطبائی در مورد هدف و محتوای این سوره می‌گوید: «غرض این سوره به طوری که در آخرش بدان اشاره نموده، می‌فرماید: «فَإِنَّمَا يَسْتَأْذِنُ بِلِسانِكَ لِنُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَ تُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لَّدُنَّا» بشارت و انذار است، چیزی که هست، همین غرض را در سیاقی بدیع و بسیار جالب ریخته تا بشر را بر رعایت موازین اخلاق سوق دهد» نخست به داستان زکریا و یحیی و قصه مریم و عیسی و سرگذشت ابراهیم و اسحاق و یعقوب و ماجرای موسی و هارون و داستان اسماعیل و حکایت ادريس و سهمی که به هر یک از ایشان از نعمت ولایت داده - که یا نبوت بوده و یا صدق و اخلاص - اشاره کرده، آنگاه علت این عنایت را چنین بیان فرموده که این بزرگواران خصلت‌های برجسته‌ای داشته‌اند، از آن جمله نسبت به پروردگارشان خاضع و خاشع بودند، ولیکن اخلاف ایشان از یاد خدا اعراض نموده به مسأله توجه به پروردگار به کلی بی‌اعتنا شدند و به جای آن دنبال شهوت را گرفتند، به همین جهت به زودی حالت «غی» را که همان از دست‌دادن رشد است، دیدار می‌کنند، مگر آنکه کسی از ایشان توبه کند و به پروردگار خود بازگشت نماید که او سرانجام به اهل نعمت می‌پیوندد (۲۱)، سپس نمونه‌هایی از لغزش‌های اهل غی و زورگویی‌های آنان و آرای خارج از منطقشان از قبیل نفی معاد، و به خدا نسبت پسررداری دادن و بت‌پرستی و آنچه که از لوازم این لغزش‌ها است، از نکبت و عذاب را خاطرنشان می‌سازد. بنا بر این، می‌توان گفت بیان این سوره شبیه به بیان مدعی است که برای اثبات دعوی خود مثال‌هایی می‌آورد که گفته شده فلانی را و فلانی و فلانی که از اهل رشد و دارای موهبتی الهی بودند در زندگی این روش را داشتند که دل از شهوات نفس کنده و به سوی پروردگار خود متوجه شدند و طریقه خضوع و خشوع را پیش گرفتند

که هر وقت آیات پروردگارشان را متذکر می‌شدند از صمیم دل خاضع می‌گشتند و طریقه آدمی به سوی رشد و موهبت همین است، لیکن اخلاف همین نامبردگان این طریقه را کنار گذاشتند، یعنی از عمل اعراض و به شهوات مذموم رو آوردند و این رویه، ایشان را جز به سوی «غی» که خلاف رشد است، نکشانیده، جز بر باطل استوارترشان نمی‌کند و سرانجامشان این می‌شود که رجوع به خدا را انکار و شرکایی برای خدا اثبات نموده، سد راه دعوت هم می‌شوند و این جز به سوی نکبت و عذاب رهنمونشان نمی‌کند (۲۲). پس این سوره - همانطور که ملاحظه می‌فرمایید - با ذکر چند مثال آغاز و با گرفتن نتیجه‌ای کلی از آن مثل‌ها که مورد نظر بوده، خاتمه یافته است و این نتیجه‌گیری از جمله «أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ» شروع شده و تا چند آیه بعد ادامه می‌یابد. پس این سوره مردم را به سه طائفه تقسیم می‌کند: ۱- آن‌هایی که خدا انعامشان کرد که یا انبیا بودند و یا اهل اجتناب و هدایت؛ ۲- اهل غی، یعنی آن‌هایی که مایه و استعداد رشد خود را از دست دادند؛ ۳- آن کسانی که توبه نموده و ایمان آوردند و عمل صالح کردند که به زودی به اهل نعمت و رشد می‌پیوندند و آنگاه ثواب توبه تائبین و مسترشدین و عذاب غاویان که همنشینان شیطان و از اولیای اویند را تذکر می‌دهد (۲۳). مهم‌ترین بخش این سوره را قسمتی از سرگذشت «زکریا» و «مریم» و حضرت مسیح (ع) و یحیی و ابراهیم قهرمان توحید و فرزندش اسماعیل و ادريس و بعضی دیگر از پیامبران بزرگ الهی، تشکیل می‌دهد که دارای نکات تربیتی خاصی در باب اخلاق‌مداری در مواجهه با مشکلات و صبر و استقامت در برابر آن‌ها است. قسمت دیگری، از این سوره که بعد از بخش نخست، مهم‌ترین بخش را تشکیل می‌دهد، مسائل مربوط به قیامت و چگونگی رستاخیز و سرنوشت مجرمان و پاداش پرهیزکاران و... و حفظ کرامت انسانی با محوریت اخلاق دینی است. بخش دیگر، مواعظ و نصائحی است که در واقع مکمل بخش‌های گذشته می‌باشد. بالاخره آخرین بخش، اشارات مربوط به قرآن و نفی فرزند از خداوند و مسأله شفاعت است که مجموعاً برنامه تربیتی مؤثری در باب اخلاق‌مداری برای سوق نفوس انسانی به ایمان و پاکی و تقوا را تشکیل می‌دهد.

۳-۱-۳. ابعاد ساختاری سوره مریم: سوره مریم بر اساس ترتیب فعلی، نوزدهمین سوره قرآن و مشتمل بر ۹۸ آیه است که به اتفاق مفسرانی چون شیخ طوسی، فخر رازی، طبرسی، سیوطی، الدر المنثور، آلوسی و طباطبایی، سوره مریم قبل از هجرت در مکه نازل شده است. این سوره بر اساس ترتیب نزول به عنوان چل و چهارمین سوره قرآن است که بعد از سوره فاطر و قبل از سوره طه نازل شده است و به لحاظ حجم آیات جزء سوره‌های مئین است. ابن قتیبه می‌گوید سور مئین سوره‌هایی هستند که بعد از سور طوال آمده‌اند، علت نامگذاری این سوره‌ها به مئین نزدیک‌بودن تعداد آیه‌های این سوره‌ها به عدد صد می‌باشد (۲۴). گفته شده این سوره‌ها عبارتند از «بنی اسرائیل، کهف، مریم، طه، انبیاء، حج و مؤمنون»، برخی دیگر نیز سور مئین را سوره‌های «توبه، نحل، هود، یوسف، کهف، بنی اسرائیل، انبیاء، طه، مؤمنون، شعراء و صافات» ذکر کرده‌اند. روایتی است که از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود: «خداوند هفت سوره طوال را به جای تورات و سوره‌های مئین را به جای انجیل و سوره‌های مثانی را به جای زبور به من داد و پروردگارم مرا با دادن سوره‌های مفصل فروزی بخشید.» بخاری از ابن مسعود روایت کرده که درباره سوره‌های بنی‌اسرائیل، کهف، مریم، طه و الانبیاء گفت: «این سوره‌ها از سوره‌های کهن اول است و از دیرینه‌ها هستند»، سپس به همین ترتیب آن‌ها را ذکر کرد.

سوره مریم از سور مثانی می‌باشد. مثانی سوره‌هایی هستند که بعد از سور مئین قرار گرفته‌اند و زیر صد آیه دارند، مانند اینکه سور مئین مبادی باشند و توالی آن مثانی آن فرض شده‌اند. سوره‌های مثانی عبارتند از: احزاب، حج، قصص، نمل، نور، انفال، مریم، عنکبوت، روم، یس، فرقان، حجر، رعد، سبأ، فاطر، ابراهیم، ص، محمد، لقمان و زمر.

محتوای سوره نیز همچون سایر سوره‌های مکی، مسائل مربوط به قیامت و سرنوشت مجرمان و پاداش نیکوکاران و قسمتی از سرگذشت زکریا و مریم و عیسی بن مریم و یحیی و ابراهیم و اسماعیل و ادريس (ع) می‌باشد (۲۵).

۳-۴. **سوره طه و محتوای اخلاقی آن:** سوره طه بیستمین سوره و از سوره‌های مکی قرآن است که در جزء ۱۶ قرآن جای دارد. شروع این سوره با حروف مقطعه «ط» و «ه» دلیل نامگذاری آن به نام «طه» است. ابلاغ وحی توسط پیامبر (ص) بدون به سختی انداختن خود، دستور به اعتدال و میانه‌روی در همه چیز حتی در دعا و عبادت، قصه آدم و ماجرای هبوط وی از بهشت و داستان حضرت موسی (ع) از موضوعات این سوره است. نام دیگر سوره طه «کلیم» است که از لقب حضرت موسی (ع) یعنی کلیم الله (هم‌سخن با خداوند) گرفته شده است، زیرا داستان این پیامبر و سخن‌گفتنش با خدا در این سوره آمده است. سوره طه جزء سوره‌های مکی و در ترتیب نزول، چهل و پنجمین سوره‌ای است که بر پیامبر (ص) نازل شده است. این سوره در چینش کنونی مُصَحَّف، بیستمین سوره است و در جزء ۱۶ قرآن جای دارد. سوره طه ۱۳۵ آیه، ۱۵۳۴ کلمه و ۵۳۹۹ حرف دارد (۲۶). این سوره از نظر حجمی جزء سوره‌های مئون و متوسط است که نیم جزء قرآن را شامل می‌شود و یازدهمین سوره‌ای است که با حروف مُقَطَّعه آغاز می‌شود. علامه طباطبایی هدف اصلی این سوره انذار و تبشیر از راه بیان داستان‌های اقوام گذشته همچون داستان حضرت موسی (ع) می‌داند؛ آیاتی که حجت‌های روش برای عقل است تا خود را ملزم به اعتراف به توحید و اجابت دعوت حق کند و از احوال روز قیامت و خسران ظالمین، انسان را آگاه سازد و به تعبیری فضائل اخلاقی را جایگزین رزائل گرداند. به تصریح تفسیر نمونه سوره طه همانند دیگر سوره‌های مکی بیشتر سخن از مبدأ و معاد می‌گوید و نتایج توحید و بدبختی‌های شرک را برمی‌شمرد. مطالب سوره طه در چند بخش زیر می‌توان خلاصه کرد: تعیین وظیفه پیغمبر اسلام (ص) و اینکه نباید خود را به رنج و سختی بیاندازد، بلکه او تنها دعوت کننده است؛ دستور به اعتدال و میانه‌روی در همه چیز حتی در دعا و عبادت که از مهم‌ترین روش‌های اخلاق‌مداری در زندگی و حفظ تعادل در امور است؛ اشاره به عظمت قرآن و بخشی از صفات جلال و جمال پروردگار؛ داستان موسی (ع) و مبارزه او با فرعون، جادوگران و سامری

در بیش از هشتاد آیه؛ معاد و بخشی از خصوصیات رستخیز؛ سرگذشت آدم و حوا در بهشت و ماجرای وسوسه ابلیس و هبوط آن‌ها به زمین که اندرز و نصیحت‌های بیدارکننده برای داشتن اخلاق‌مداری دینی برای همه مؤمنان است (۲۷).

۳-۴-۱. **ابعاد ساختاری سوره طه:** سوره «طه»، یکی از سوره‌های مکی است که در اوج سختی‌ها و مشقات پیامبر (ص) در امر تبلیغ اسلام، بر ایشان نازل شد. سراسر این سوره نشان از مهرورزی پروردگار نسبت به رسولان الهی، خصوصاً پیامبر اسلام دارد. «طه»، دو حرف از حروف مقطعه و رمزی از رموز قرآن می‌باشد که این سوره با آن آغاز شده است. سوره «طه» به خاطر حرف «ط» با سوره‌های شعرا و نمل و قصص در حروف مقطعه «طسم، طس و طسم» به ترتیب هم گروه و به طواسین معروف است. به خاطر «ه» با سوره مریم در «کهیص» هم گروه می‌باشد. بیستمین سوره قرآن می‌باشد که نام‌های دیگری مانند الکلیم و موسی نیز برای آن ذکر شده است. مکی‌بودن این سوره به جز دو آیه ۶۹۶ و ۶۹۷ اجماعی است (۲۸). بین سال‌های هفتم و یازدهم بعثت، پس از سوره مریم نازل شده است که سال‌هایی پراختناق برای تبلیغ دین بوده و تعداد اندکی به اسلام ایمان آوردند. تعداد آیات این سوره به نظر کوفیون ۶۹۸ و شامل ۶۹۴۶ کلمه و ۸۲۴۸ حرف می‌باشد. در این سوره ۲۱ بار نام رب در داستان حضرت موسی (ع) و آیات مربوط به رسول اکرم (ص) آمده که بیانگر حمایت‌های همه‌جانبه رب از پیامبرانش است. با توجه به آغاز و پایان این سوره با خطاب به رسول اکرم (ص)، دلجویی از ایشان در قسمت آغازین و پایانی و همچنین نظر به اینکه وزارت هارون بزرگ‌ترین حمایت الهی برای موسی (ع) بود که سرپیچی از او برای قوم گران تمام شد، می‌توان چنین نتیجه گرفت که حمایت از پیامبر اسلام هم، در تبعیت مؤمنان از جانشین و ولی اوست، لذا سرپیچی از فرامین او برای مسلمین گمراهی به بار می‌آورد (۲۹). امید است قرآن‌پژوهان با استناد به روایات و انطباق آن بر محور معنایی این سوره، اهمیت نقش هدایتی حضرت علی بن ابیطالب (ع) که بر اساس روایات مستند فراوان شیعه و سنی خلیفه و ولی بر حق رسول الله

(ص) می‌باشد را نمایانگر شوند. ساختار این سوره از پنج سیاق تشکیل شده که سیاق دوم، خود، پنج دسته را در خود جای داده است. با توجه به اهداف فصول و سیر هدایتی، غرض اصلی سوره عبارت است از: دلجویی و حمایت از رسول خدا (ص) با متذکر ساختن اهل خشیت به ذکر است که آن شامل تبعیت از قرآن و رسول خدا (ص) و ولی اوست و مداومت بر تسبیح و صالت می‌باشد که همگی سبب هدایتند و اعراض از آن‌ها سبب شقاوت و ضلالت است (۳۰).

۳-۵. سوره انبیا و محتوای اخلاقی آن: محتوای کلی این سوره در دو بخش کلی اعتقادات و داستان‌های تاریخی نازل شده است. در بخش عقائد هدف این سوره تذکر دادن به مردم نسبت به غفلت آنان از معاد، وحی و رسالت است به همین دلیل در آیات ابتدایی سوره به مسأله معاد، نبوت عامه، نبوت خاصه و قرآن پرداخته و به براهینی برای اثبات توحید و هدمند بودن جهان و قدرت خداوند در تحقق معاد پرداخته است (۳۱). در بخش داستان‌های تاریخی به غفلت مردم در برابر دستورات انبیا و نپذیرفتن تذکرات آنان و خسرانی و هلاکتی که گرفتار آن شدند، می‌پردازد. موضوعات اصلی سوره انبیاء را در موارد زیر خلاصه کرده‌اند: مسأله نبوت به عنوان موضوع اصلی سوره، توحید و معاد؛ نزدیک بودن روز قیامت و غفلت مردم از آن، مسخره کردن پیامبران و پیامبر اسلام (ص) و نسبت شاعری و هذیان‌گویی زدن به آن‌ها از سوی کفار؛ ذکر داستان اجمالی برخی انبیا برای تأیید گفتار و رد ادعای کفار بازگشت به بحث روز قیامت و کیفر مجرمین و پاداش متقین؛ ارث بردن زمین توسط بندگان صالح خداوند و سرانجام نیک متقین پیروزی حق بر باطل، توحید بر شرک و لشکریان عدل بر سپاه ابلیس؛ دلیل رویگردانی کافران از نبوت و اخلاق مداری که اقامه حجت برای مسأله توحید است (۳۲).

۳-۵-۱. ابعاد ساختاری سوره انبیا: غرض این سوره گفتگو پیرامون مسأله نبوت است که مسأله توحید و معاد را زیربنای آن قرار داده، نخست داستان نزدیک بودن روز حساب و غفلت مردم از آن و نیز اعراضشان از دعوت حقی که متضمن وحی آسمانی است را ذکر می‌کند که ملاک حساب روز حساب

همین‌ها است و سپس از آنجا به موضوع نبوت و استهزاء مردم منتقل می‌شود، نبوت خاتم انبیا (ص) و نسبت ساحر به وی دادن و کلماتش را هذیان و خودش را مفتری و شاعر خواندن را ذکر می‌کند. آنگاه گفتار آنان را با بیان اوصاف کلی انبیای گذشته به طور اجمال رد نموده می‌فرماید: «پیغمبر اسلام نیز همان گرفتاری‌ها را باید ببیند، چون آنچه این می‌گوید همان است که آن حضرات می‌گفتند» (۳۳). پس از آن، داستان جماعتی از انبیا (ع) را برای تأیید گفتار اجمالی خود می‌آورد و سخنی از موسی و هارون، سرگذشتی از ابراهیم، اسحاق، یعقوب و لوط و شرحی از نوح، داوود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذوالکفل، ذوالنون، زکریا، یحیی و عیسی که درود خدا بر آنان باد، می‌آورد. آنگاه با یادکرد روز حساب و آنچه که مجرمین و متقین در آن روز کیفر و پاداش می‌بینند، بحث را جمع‌بندی می‌کند و می‌فرماید: «سرانجام نیک از آن متقین خواهد بود و زمین را بندگان صالحش ارث می‌برند.» آنگاه بیان می‌شود که اعراض اینان از نبوت به خاطر اعراضشان از توحید است و به همین جهت بر مسأله توحید اقامه حجت می‌کند، همانطور که بر مسأله نبوت اقامه نموده است. از آنجایی که این سوره به دلیل سیاقش و به اتفاق مفسرین در مکه نازل شده تهدید و وعید در آن، از بشارت و وعده بیشتر است. محتوای عمده سوره بخش‌هایی از زندگی شانزده پیامبر از ۲۵ پیامبری که نام آنان در قرآن آمده است و خداشناسی، توحید، نبوت، شفاعت و ابتلای بشر است. این سوره دارای ۱۱۲ آیه به عدد کوفی، ۱۱۱ آیه به عدد دیگران، ۱۱۶۸ یا ۱۱۷۷ کلمه و ۴۸۹۰ یا ۴۸۷۰ حرف است. در ترتیب مصحف شریف، بیست و یکمین و در ترتیب نزول، هفتاد و سومین سوره است که پس از سوره ابراهیم و پیش از سوره مؤمنون نازل شد (۳۴). به جز آیات ۵۲ تا ۵۵ که بین راه مکه و مدینه نازل شد، بقیه سوره مکی به شمار می‌آید. از نظر حجم از سور مئین است که دقیقاً نیم جزء از قرآن را دربر گرفته است. گفته‌اند در این سوره دو یا سه آیه منسوخ وجود دارد. سیاق مفاهیمی از سوره انبیاء با سوره پیش از آن (طه) بسیار نزدیک است، مانند هماهنگی مضامین مقدمه این دو سوره شرح چگونگی بعثت حضرت موسی و هارون (ع) و داستان آن دو،

نخست با فرعون و فرعونیان و سپس با بنی اسرائیل و سامری که اجمال همین داستان را در سوره انبیاء تفصیل می‌دهد. داستان حضرت نوح (ع) و حضرت لوط (ع) در هر دو سوره انبیاء و قمر آمده است. در سوره انبیاء سرگذشت دیگر پیامبران و قوم‌های ایشان تفصیلی است، از آنچه درباره دیگر اقوام در سوره قمر آمده است. مقصود اصلی و محور موضوع سوره انبیاء نیز مانند سوره قمر، تهدید مکذبین و ستیزندگان با رسولان الهی است که در سوره قمر با تکیه بیشتر بر سرگذشت عاد و ثمود و در سوره انبیاء، بیشتر با تکیه بر سرگذشت دیگر اقوام و پیامبرانشان تبیین گردیده است (۳۵).

نتیجه‌گیری

میان فرم، محتوا و ساختار سوره‌های قرآن ارتباطی دقیق برقرار است، به طوری که بین هر بخش از آیات یک سوره، با بخش‌های دیگر آن ارتباط و پیوند لفظی وجود دارد. از تقسیم‌هایی که از مجموع آیات قرآن استفاده می‌شود، این است که اصول اخلاق را می‌توان در چهار بخش خلاصه نمود:

- ۱- مسائل اخلاقی در ارتباط با خالق (مسأله شکرگزاری (شکر منعم) و خضوع در مقابل خداوند و رضا و تسلیم در برابر فرمان او و مانند این‌ها)؛
- ۲- مسائل اخلاقی در ارتباط با خلق (تواضع و فروتنی، ایثار و فداکاری، محبت و حسن خلق، همدردی و همدلی)؛
- ۳- مسائل اخلاقی در ارتباط با خویشتن (پاکسازی قلب از هرگونه ناپاکی و آلودگی و مدارا با خویشتن در برابر تحمیل و فشار بر خود و امثال آن)؛
- ۴- مسائل اخلاقی در ارتباط با جهان آفرینش و طبیعت (عدم اسراف و تبذیر و تخریب مواهب الهی و مانند آن).

سوره‌های عتاق دارای ساختاری منسجم است؛ میان الفاظ و واژه‌های سوره‌های اسراء، کهف، مریم، طه و انبیاء ارتباط برقرار است. به عبارت دیگر سوره‌های عتاق از پنج موضوع یا فصل تشکیل شده‌اند که هر کدام در عین استقلال مانند فصول مختلف یک کتاب، به ترتیب خاصی به دنبال یکدیگر قرار گرفته‌اند و تماماً در یک نظام مرتبط و منسجم حول محور توحید، رحمت و استجاب دعا با یکدیگر پیوند

خورده‌اند، به طوری که با جا به جاکردن فرضی آن‌ها، این هماهنگی به هم می‌خورد. وجود تناسب در تمام آیات، تصریح دارد که قرآن بر اساس لوح محفوظ ترتیب یافته و تمام آیات آن از نظر ترتیب توقیفی بوده و نظم و پیوند آیات، شگفت‌انگیز و معجزه است؛ ترتیب کنونی سوره‌های قرآن به ارشاد پیامبر (ص) بوده که او خود نیز، از غیب و وحی الهی فرمان می‌گرفته است. سوره اسراء، یکی از سوره‌های عتاق و مکی است و با تسبیح و تقدیس خدا شروع می‌شود و با حمد و ثنای او پایان می‌پذیرد. شروع این سوره با تسبیح، برای آن است که خدا را از هرچه بوی مادی می‌دهد، منزه کند، خداوند نه تنها بی‌نیاز است، بلکه نیاز انسان را نیز برطرف می‌کند و رحمتش همه عالم را فراگرفته است. بنابراین سزاوار حمد و ستایش است. سوره کهف که یکی دیگر از این سوره‌های عتاق است، ابتدا و انتهای آن، در مورد وحی است. سوره اسراء، با تسبیح و سوره کهف، با تحمید شروع شده است و سبوح بودن با حمید بودن همراه است، این مطلب ابتدای سوره کهف را به ابتدای سوره اسراء مرتبط می‌کند. همچنین ابتدای سوره اسراء، خداوند حضرت رسول (ص) را برد و ابتدای سوره کهف، خداوند قرآن را بر قلب مطهر حضرت رسول (ص) نازل کرد. صدر این دو سوره تبیین رفت پیامبر و آمدن قرآن است. در پایان سوره اسراء، از تحمید و نفی اتخاذ ولد سخن گفته شده و این دو مطلب در آغاز سوره کهف نیز آمده است که ابتدای سوره کهف را به انتهای سوره اسراء مرتبط می‌کند. ارتباط آیات آغازین سوره کهف با ابتدا و انتهای سوره اسراء، این دو سوره را کاملاً منسجم می‌کند، در ضمن بعد از برشماری نمونه‌هایی از رحمت‌های الهی، عوامل برخورداری و موانع بهره‌مندی از رحمت پروردگار، در آیات پایانی سوره کهف، در جایی که غرض سوره استیفاء شده و بیانش تمام گشته و مثال‌هایش زده شده می‌فرماید، «حرف‌های ما تمامی ندارد و به همین مقدار اکتفا می‌کنیم و غرض از بیان سوره را خلاصه می‌کند و در آن، اصول سه‌گانه توحید و نبوت و معاد را، جمع می‌فرماید که روند کلی و موضوع اساسی سوره‌های مریم، طه، انبیاء و اغلب سور مکی است.» محور و رکن اختصاصی در

سوره مریم، دریافت رحمت خاصه الهی و استجاب دعاست؛ داشتن خانواده صحیح و طیب و طاهر، از بهترین رحمت‌های الهی است و بسیاری از رحمت‌های خاصه خداوند به مرد و زن، خردسال، کهنسال و میانسال در این سوره بیان شده است. در این سوره، خداوند رحمت خود بر بنده‌اش زکریا، مریم و حضرت عیسی (ع)، همچنین بعضی از پیامبران دیگر را برای حضرت رسول (ص) یادآوری می‌کند، در ادامه در سوره طه تأکید می‌فرماید که خداوند با رحمت خود جهان را تدبیر می‌کند و منتهای فراوان و نعمت‌های زیادی را که به حضرت موسی (ع) و بنی‌اسرائیل ارزانی داشته، برمی‌شمارد. بعد از نقل داستان حضرت موسی، به پیامبر می‌فرماید: «به همین نحو که داستان موسی را برایت گفتیم، حوادث امت‌های گذشته را برایت نقل می‌کنیم، سپس بخشی از وقایع قیامت و معاد را بازگو کرده و قرآن را با بیانات گوناگون انذار و وعید، موجب تقوای از معاصی، احداث ذکر و یاد خدا معرفی می‌فرماید.»

در ابتدای سوره انبیاء، سخن از وعید الهی را - با صحنه حساب - که مهم‌ترین حادثه قیامت است، ادامه می‌دهد و به نزدیکی قیامت تأکید می‌کند، شبهات منکران وحی و نبوت را، یکی پس از دیگری بازگو و پاسخ می‌فرماید، معاد را اثبات کرده و حجت را بر بندگان تمام می‌کند که نه تنها پیامبر شما را از معاد و روز حساب آگاه کرد، بلکه پیامبران زیادی را برای هدایت شما فرستادیم و شما را به توحید دعوت کردیم؛ نزول قرآن بر پیامبر اسلام نیز چیز تازه‌ای نیست، بر موسی و هارون هم تورات نازل شد. نبوت جز به یک دین دعوت نمی‌کند و آن دین، توحید است، همچنانکه موسی و قبل از او ابراهیم و قبل از وی نوح و همچنین انبیای قبل از نوح و بعد از موسی مانند ایوب و ادریس و نیز پیامبرانی که هم اسامی‌شان و هم بخشی از رحمت‌های الهی بر آن‌ها در قرآن کریم آمده، همگی آن‌ها مردم را به آن دین توحیدی دعوت می‌کرده‌اند، اما مردم این امر واحد و دین توحیدی را رها کرده و پاره‌پاره نموده و میان خود تقسیمش کردند؛ هر گروهی یک قسمتی از آن را گرفته، بقیه را رها کردند، اختلاف امت‌ها در امر دین نادیده گرفته نمی‌شود، همه به سوی خدا بازمی‌گردند و طبق عملشان مجازات می‌شوند، سپس به قسمتی از پاداش‌های اخروی

مؤمنان اشاره فرموده و یکی از روشن‌ترین پاداش‌های صالحان، که حکومت روی زمین است را اعلام می‌فرماید. در پایان جمع‌بندی می‌کند که تمام معارف بیان‌شده در سوره، برای مردم عابد کافی است که اگر آن را دریابند و به آن عمل کنند به آرزوی خویش می‌رسند؛ قلمرو رسالت پیامبر برای تمام افراد بشر در همه زمان‌هاست و این رسالت جز توحید نیابد و کسانی را که به دعوت و پیام الهی توجه نمی‌کنند، تهدید کرده و تأکید می‌کند که تأخیر مجازات برای امتحان است.

مشارکت نویسندگان

مریم حاجی قاضی استرآبادی: گردآوری منابع، جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، پژوهش و نگارش مقاله.

مرتضی خرمی: راهنمایی و نظارت بر اجرای فرایند پژوهش و نگارش مقاله.

ارسطو میرانی: مشاوره علمی در خصوص مسائل تخصصی پژوهش.

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Nari Abianeh AA. Puns in the Holy Qur'an with a view of Persian literature. Golestan Qur'an. 2008; 6(1): 88-94. [Persian]
2. Ashrafzadeh R. An aesthetic exploration of puns. Persian Literature Quarterly of Mashhad Azad University. 2014; 58(5): 46-60. [Persian]
3. Ishani T, Nemati Qazvini M. Examining coherence and continuity in Surah Saf with a role-oriented linguistics approach. Scientific-Research Journal of the Iranian Language and Arabic Literature Association. 2013; 9(27): 65-95. [Persian]
4. Ansari n, Shams al-Dini A. Structural analysis of the text of Surah Al-Haqah. Research paper on Qur'an interpretation and language. 2016; 5(2): 161-178. [Persian]
5. Alborzi P. Basics of Text Linguistics. 1st ed. Tehran: Amir Kabir Publications; 2007. [Persian]
6. Burke S. The Death and Return of the Author: Criticism and Subjectivity in Barthes. Edinburgh: University Press; 2010.
7. Cahoone LE. From modernism to postmodernism: An anthology expanded Modern social theory. New York: St Martin's Press; 2003.
8. Nazemian H. Linking form and structure with content in Surah Mubarakah Takweer. The Scientific Quarterly of the Iranian Language and Arabic Literature Association. 2012; 9(27): 97-115. [Persian]
9. Makarem Shirazi N. Sample interpretation. Tehran: Daral-Kotob al-Islamiya; 2001. [Persian]
10. Mohammad Ghasemi H. Manifestations of the art of image creation in the Qur'an. 1st ed. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company; 2008. [Persian]
11. Hajizadeh M. Investigation and analysis of the phonological and phonological attitudes of Ibn Jinni. Journal of Arabic Language and Literature. 2008; 21(40): 5-22. [Persian]
12. Khorramshahi B. Encyclopedia of Quran and Quran Studies. 4th ed. Tehran: Doostan Publications; 2013. [Persian]
13. Mohabbati M. From meaning to form. 2nd ed. Tehran: Sokhan Publications; 2011. [Persian]
14. Din Mohammadi G. Fundamentals of Linguistics in the Islamic World. 1st ed. Tehran: Imam Sadiq University; 2008. [Persian]
15. Kamai Fard S, Jaber M. Consistency of definitions text in university textbooks. Research and Writing of University Textbooks. 2013; 16(26): 25-45. [Persian]
16. Mohabbatei M. From meaning to form. 2nd ed. Tehran: Sokhan Publications; 2019. [Persian]
17. Moradi M. Imam Ali and the Qur'an. 1st ed. Tehran: Hasti Nama Publishing House; 2012. [Persian]
18. Nikoobakht N. The sound of sounds and the theory of the origin of language. Tehran: Literary Researches; 2004. [Persian]
19. Mirsadeghi J. Dictionary of the art of story writing. 3rd ed. Tehran: Mahnaz Book; 2015. [Persian]
20. Mohammadian A. Shafi'i Kadkani and Formalism. Boostane Adab. Magazine of Shiraz University. 2009; 1(2): 28-48. [Persian]
21. Qolizadeh H. The syntactic-rhetorical position of the object in the translation of the Qur'an. Quarterly Journal of Quranic Research. 2009; 107(59): 316-351. [Persian]
22. Qolizadeh H. The role of grammatical structure in Quran translation. Literary Research Quarterly. 2004; 8(3): 83-102. [Persian]
23. Hashemzadeh H. Knowing the surahs of the Quran. 1st ed. Tehran: Sadr Library; 1995. [Persian]
24. Firouzabadi MB. The dictionary of the environment. 1st ed. Beirut: Al-Kitab al-Alamiya; 1994. Vol.4. [Arabic]
25. Rafei MS. The miracle of the Qur'an and the eloquence of Muhammad (pbuh). Tehran: Foundation of the Qur'an; 1981. [Persian]
26. Fatahizadeh A, Zakeri M. Structural approach to Surah Kahf. Scientific and Research Quarterly of Interpretive Studies. 2016; 3(7): 52-74. [Persian]
27. Emarati Moghadam D. Pathology of using modern theories in writing rhetorical textbooks. Tehran: Contemporary Persian Literature Quarterly; 2016. [Persian]
28. Wong S. Principles of form and design. Tehran: Ney Publishing House; 2014. [Persian]
29. Tabatabaei MH. Tafsir al-Mizan. Translated by Mousavi MB. 11th ed. Qom: Publishing House of Qom Theological Seminary Society Islamic Publications Office; 1999. [Persian]
30. Safavi SMR Educational interpretation of the Holy Quran: meanings of words and structures. 8th ed. Qom: Boostane Kitab Publishing House; 2015. [Persian]

31. Shafii Kadkani MR. The Resurrection of Words: Lectures on the Literary Theory of the Russian Formalists. 4th ed. Tehran: Sokhan Publishing House; 2016. [Persian]
32. Seyedi H, Abdi Z. Musical analysis of Quranic verses (Part 3 as an example). Researches of Humanities. 2004; 47(48): 218-236. [Persian]
33. Saidi Roshan MB. Text, metatext and analysis of basic and relative meaning and its compatibility with interpretation. Journal of Theology and Islamic Studies (Islamic Studies). 2007; 12(80): 44-61. [Persian]
34. Sarli NQ. Rethinking the theoretical framework of eloquence. Scientific Research Quarterly of Literary Criticism. 2011; 4(14): 54-73. [Persian]
35. Rezaei Kermani MA. The location of Siyaq in al-Mizan. Quranic Researches. 1999; 9(10): 72-98. [Persian]